



۰۲ مارچ، ۲۰۲۴

داکتر ضیا نظام

آینده سیاسی مبهم پاکستان



Reuters

در تاریخ پرتلاطم پاکستان اوضاع هرگز به اندازه حالا بحرانی نبوده است. تحلیل گران باور دارند که این کشور با جمعیت بزرگ و قدرت هسته‌یی در لبه پرتگاه قرار دارد. وضعیت جاری نتیجه بازی حاکمان پاکستان با آتش و تروریست پروری است که عاقبت دامنش را فرا گرفت و به نحو دردناکی در حال شعله ور شدن است.

پاکستان با یکی از شدیدترین بحران‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در تاریخ ۷۵ ساله اش مواجه است. این مشکلات ناشی از کم‌رنگی وحدت ملی، انحصار قدرت توسط جنرالان، ندادن فرصت به شکل‌گیری اداره ملکی استوار بر رای مردم و بازی با کارت افراط‌گرایی در سیاست خارجی است.

حاکمان پاکستان به هدف اعمال فشار بر افغانستان و هند، هزاران مدرسه را به آموزشگاه افراطیت مبدل کردند و از دهشت افگنی رسماً حمایت نمودند، طوری که جوانان بسیاری از آن کشور به امراض تندروی و تفرقه های مذهبی آلوده شده اند. این سیاست در دسرهای بسیاری به خصوص برای افغانستان در پی داشت و در عقیم کردن تلاش های مردم ما در ایجاد حکومت پایدار ملی و دموکراتیک موثر تمام گردید، اما هزینه کمرشکنی برای مردم پاکستان نیز در پی داشت. میلیون ها تن در سراسر پاکستان به ویروس بنیادگرایی و دهشت افگنی آلوده شدند و به تدریج به نیروی بزرگ بازدارنده علیه هر گونه حرکت سازنده در سراسر آن کشور بدل گردیدند. اکنون دسترسی مردم پاکستان به خدمات از جمله تعلیم و کار به شدت کاهش یافته و کشور به اردوگاه عظیم گرسنه گان، بیکاران و بی سوادان بدل شده است.

انتخاباتی که اخیراً برگزار گردید، نه تنها گرهی از معضلات پیچیده کشور نگشود، بلکه بحران سیاسی و عدم اعتماد ملی را تشدید کرد. نتایج انتخاباتی که آشکارا مهندسی شده بود و با تاخیر بسیار اعلام گردید، باز هم چیزی نبود که اردوی پاکستان می خواست. مردم به طور گسترده به مخالفان اداره نظامی و استخباراتی رای دادند و اعتراض ها در برابر تقلب و دست کاری آرا در سراسر کشور شنیده می شود. احزاب سیاسی و مذهبی بسیاری در این انتخابات سهم گرفتند و به دلیل تحریم حزب انصاف به رهبری عمران خان، بخش بزرگی از کاندیدان به شکل مستقل حضور یافتند. رقابت اصلی میان سه حزب مسلم لیگ به رهبری نواز شریف، حزب مردم به رهبری بلاول بوتو زرداری و کاندیدان مستقل منسوب به حزب انصاف بود که عمران خان رهبرشان زندانی است.

انتخابات در وضع متشنج و بی ثبات برگزار شد. دو روز قبل از انتخابات، این کشور شاهد حوادث خونین بود. دو انفجار تروریستی در ایالت بلوچستان جان بیش از ۲۵ نفر را گرفت و تعداد زیادی را زخمی کرد. ناآرامی و عملیات تروریستی در دیگر ایالات پاکستان به خصوص در ایالت خیبرپختون خوا نیز در آستانه انتخابات جریان داشت. بیش تر این حملات و ناآرامی ها به گروه طالبان پاکستانی نسبت داده می شود که نتیجه مستقیم طالب پروری جنرالان آن کشور برای تخریب افغانستان بوده است، اما غیر از تی تی پی، چندین گروه مسلح و حرکت اعتراضی غیرمسلحانه در سراسر این کشور جریان دارد که هر کدام معضله جدی در برابر حاکمان خلق کرده است.

بی ثباتی و تشنج در پاکستان زمانی سرعت گرفت که بعد از سلب اعتماد مجلس ملی، رییس جمهور آن کشور مجلس ملی را در ماه اپریل ۲۰۲۲ منحل اعلام کرد و در نتیجه حکومت عمران خان که در اگست ۲۰۱۸ و به حمایت اردوی پاکستان شکل گرفته بود، فروپاشید. پس از آن رویارویی حزب

انصاف عمران خان و حاکمان اردو و استخبارات در جاده ها کشیده شد. در یکی از گردهمایی‌های اعتراضی، به تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۲، هنگامی که عمران خان در وزیر آباد پنجاب خطاب به حامیانش سخنرانی می‌کرد، مردی مسلح به سوی او فیر کرد. عمران خان از آن حمله جان سالم به در برد و تنها از قسمت پا زخمی شد؛ اما جنرال‌ها، حامیان سابق و حریفان کنونی، او را به زندان انداخته و به حزبش اجازه شرکت در انتخابات ندادند.

محبوبیت عمران خان در آخرین سال حکومتش به دلیل افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی کم شده بود. این امر سبب شد که مخالفانش برای برکناری او کمپین کنند و در این کار موفق شوند. عمران خان گفته است که او در اثر توطئه خارجی از قدرت برکنار شده است. او مدعی است که امریکا خواهان سقوط حکومتش بوده است.

رابطه عمران خان با اردو از آغاز ورودش به عرصه سیاست، در رسانه‌ها مطرح بوده است. گفته می‌شود که مسوولان استخبارات نظامی او را در رسیدن به حکومت یاری رسانده بودند و اردوی پاکستان برای خنثا کردن تلاش‌های نواز شریف در راستای بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با هند و حکومت آن زمان افغانستان، از عمران خان حمایت کرد. به این ترتیب، از سال ۲۰۱۳ حمایت نظامیان از عمران خان آشکار شده بود.

عمران خان در تقریباً چهار سال حکومتش با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. بهای مواد اولیه بالا رفت و توانایی اقتصادی مردم کاهش یافته بر میزان فقر افزوده شد. اردو مثل همیشه نقش قدرت مندی در سمت دهی تحولات سیاسی و امنیتی و مهندسی نتایج انتخابات داشته و روابط عمران خان با اردو در اواخر حکومتش خوب نبود. در سال ۲۰۱۹، پاکستان به خاطر عدم همکاری در مبارزه با منابع تمویل گروه‌های تروریستی در لیست خاکستری و مخصوصاً اقدام مالی FATF، شامل شد و این بر مشکلات اقتصادی و ورشکسته‌گی پاکستان افزود.

پس از انحلال مجلس و در نتیجه پایان حکومت عمران خان، شهباز شریف و بعد از او انوار الحق کاکر صدراعظم تعیین گردیدند. اینان نیز گرهی از بحران اقتصادی و سیاسی کشور گشوده نتوانستند. عامل اساسی بحران جاری در پاکستان ماجراجویی و حمایت حاکمان آن کشور از گروه‌های دهشت افکن بوده است. اردو و استخبارات پاکستان از جنگ‌جویان نیابتی جهت پیش برد اهداف سیاسی استفاده کرده اند. آنان دهشت افگنان را برای جنگ به افغانستان و کشمیر در خاک خود پناه، آموزش و تجهیز می‌نمودند و مصارف کمرشکن را بر بودجه دولت و عواید ملی پاکستان تحمیل می‌کردند. هزاران مدرسه دینی افراطی به‌حیث منبع عسکرگیری و گسترش ذهنیت افراطی تاسیس

شد، در نتیجه بیش‌تر رهبران گروه طالبان شاگردان مدارس پاکستانی بوده و خانواده های‌شان در پاکستان زندگی می‌کنند. بالاخره با سرکار آمدن طالبان در افغانستان، استخبارات و اردوی پاکستان ظاهراً به بخشی از اهداف خود رسید، اما این اتفاق از هر جهت به دل خواه آنان تمام نشد. گر چه در آغاز تسلط طالبان بر افغانستان، عمران خان در استقبال از پیروزی طالبان گفت که «افغان‌ها بند بردگی را شکسته‌اند» و رهبران استخبارات و اردوی آن کشور نیز آشکارا شکست حکومت غیرطالبانی را جشن گرفته بودند و برای تثبیت اداره طالبانی در منطقه لابی می‌کردند، اما این شور و هیجان اسلام آباد و راولپندی زیاد دوام نکرد.

در آغاز تشکیل امارت طالبان، حکومت عمران خان برای تثبیت حاکمیت آن گروه در افغانستان متخصصان بسیاری را در عرصه های مختلف به کابل فرستاد. سفر فیض حمید، رییس استخبارات نظامی آن کشور به کابل در جریان تنش‌های داخلی رهبری طالبان بر سر چوکی های اصلی دولت، یکی از حرکت‌های نمادین پاکستان برای اعلام نفوذ خاص بر رهبری آن گروه بود.

تسلط طالبان بر افغانستان که مدعی شکست ابرقدرت جهانی و متحدانش هستند، روحیه افراط‌گرایان منطقه را تقویت کرد و نمونه ای برای تبلیغات و سربازگیری دیگر سازمان‌های افراطی شد که باور دارند از طریق کشتار و خشونت می‌توان دولت‌ها را فرو پاشید، ملت‌ها را به زانو درآورد و قدرت و ثروت را انحصار کرد. با آن که دولت پاکستان مشوق و حامی طالبانی‌سازی افغانستان بود و حاکمیت گروه را چون پیروزی سیاسی و استراتژیک جشن گرفت، اما تشدید حملات طالبان پاکستانی نشان داد که طالب‌پروری برای خود این کشور نیز خطرات جدی به همراه داشته و پیروزی استراتژیک توهمی بیش نبوده است. طالبان پاکستانی می‌خواهند در کل پاکستان یا حداقل بخشی از آن امارت طالبانی برپا کنند و برای این هدف همتایان افغان‌شان را نمونه قرار داده با تکثیر دهشت‌افگنی و حملات تروریستی می‌خواهند اردوی پاکستان را به چالش بکشند و مردم آن کشور را به تسلیم و اطاعت وادارند.

از آنجایی که آن‌ها در افغانستان پناه‌گاه های امن دارند و امارت ملا هبت الله آنان را حمایت می‌کند، همان‌طوری که قبلاً امتیازات خاک پاکستان در اختیار طالبان افغان قرار داشت، لذا پاکستان دچار دردسر جدی شده است. اما با تاسف هنوز به نظر نمی‌رسد که از گذشته تجربه گرفته باشد. هنوز از سوی مقامات پاکستانی موضعی دیده نشده است که حکایت از تغییر رویکرد آنان نسبت به افراط‌گرایی باشد. افراطیت ساری است و وقتی بر افغانستان تحمیل شود، کشورهای همسایه از آن بی‌اثر نخواهند ماند. شاید امروز گروه طالبان در کابل ادعا کنند که از افراطیان پاکستانی حمایت

نمی‌کنند، ولی در عمل چنین نیست. آنان با هم روابط ناگسستنی و منافع مشترک دارند. امروز حمایت طالبان از تحریک طالبان پاکستانی و دیگر گروه‌های دهشت‌افکن مخصوصاً القاعده یک واقعیت است. در نتیجه می‌توان گفت که پاکستان در حال سوختن در آتشی است که خودش در داده است. گمان نمی‌رود روی کار آوردن حکومت ملکی یا انتخابات بتواند جلو این بحران را که دامن‌گیر پاکستان شده بگیرد، و احتمال دارد چون گذشته وخامت اوضاع منجر به تشکیل حکومت نظامی گردد.

سرنگونی حکومت‌های ملکی به دست نظامیان در پاکستان قبلاً هم سابقه داشته است. سقوط حکومت ذوالفقار علی بوتو توسط ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷ در آستانه بحرانی که پس از کودتای ثور در افغانستان آغاز شد، یکی از اتفاقات مشهور در تاریخ پاکستان بود که بر اوضاع افغانستان و منطقه نیز اثر گذاشت. پس از کشته شدن ضیاءالحق در سال ۱۹۸۸، بارها حکومت‌های ملکی از سوی نظامیان به جنجال کشیده شده و سرنگون گردیده‌اند. اما این بار تفاوت این است که اردوی پاکستان محبوبیت نسبی اش را از دست داده و تامین ثبات برایش بسیار جنجال شده است. عدم اعتماد مردم پاکستان به حاکمان و نبود چشم انداز روشن نسبت به آینده، اقتشار مختلف را دچار مصیبت و بحران کرده است. روند خروج تحصیل کرده‌گان و نیروی کار از پاکستان سرعت گرفته است و گفته می‌شود تنها در نیمه اول سال قبل (۲۰۲۳ میلادی) بیش از ۸۰۰ هزار پاکستانی وطن خود را ترک گفتند. در نتیجه پاکستان در باتلاقی که حاکمان آن خلق کرده‌اند، فرو خواهد رفت.

پایان